

رویکردهای خلاق یاددهی و یادگیری

گذری بر نظریه هوش چندگانه

اشاره

تئوری‌های چندگانه «گاردنر» از جدیدترین نظریه‌های روان‌شناسان این عصر است. گاردنر در نظریه‌اش شیوه‌ای را فراهم آورده است که به وسیله آن توانایی‌های بشر در هشت مقوله متفاوت قرار می‌گیرد. از آنجا که امروزه قسمت زیادی از آموزش برعهده مدارس قرار دارد، نقش معلم در این بین به‌عنوان عنصر اصلی تأثیرگذار بر یادگیری دانش‌آموزان بسیار اهمیت دارد. با توجه به نظریه گاردنر، اگر معلمان همواره در کلاس درس بر یک مقوله هوشی تأکید ورزند، نتیجه چنین خواهد بود که دانش‌آموزان بسیاری از آموزه‌های ساده را فقط حفظ و سپس فراموش کنند. در این مقاله نظریه گاردنر به‌طور مختصر معرفی می‌شود تا زمینه‌ای برای ایجاد علاقه خوانندگان فراهم شود و نیز بتوانند در تدریس بهتر از آن بهره بگیرند.

کلید واژه‌ها:

تفکر،
هوش‌های
چندگانه، یاددهی
یادگیری

تشخیص، تبدیل و اجرای اشکال موسیقایی.
۶. هوش میان‌فردی: توانایی درک و تمایز حالات روحی، مقاصد، انگیزه‌ها و احساسات دیگران.
۷. هوش درون‌فردی: شناخت خود و توانایی عملکرد مناسب براساس آن.
۸. هوش طبیعت‌گرا: مهارت در شناخت و طبقه‌بندی گونه‌های گیاهان، جانوران و محیط فردی.
۹. هوش وجودگرایی: توجه به مسائل زندگی غایی، گیتی، انسان، معنای زندگی، معنای مرگ، سرنوشت نهایی انسان و جهان مادی و معنوی.
بر این اساس، نواخ افرادی اند که در یک زمینه هوشی قابلیت بیشتری از خود نشان می‌دهند. البته باید یادآور شد که همه افراد تمام انواع هوش را دارا هستند و قادرند آن‌ها را تا بالاترین سطح مهارت توسعه دهند.

به اعتقاد گاردنر، تا زمانی که مقوله هوش مشخص نشده است نمی‌توان حافظه را خوب یا بد دانست. دانش‌آموزی که حافظه ضعیفی دارد، ممکن است فقط در یک یا دو مقوله هوشی حافظه ضعیف باشد. بنابراین، باید به او کمک کرد تا در سایر مقولات هوشی به حافظه‌های قوی دست یابد.
به عنوان یک نمونه، تدریس لغات با استفاده از انواع هوش‌ها را مثال می‌زنیم.
هوش موسیقایی: با آواز یا همراه آهنگ خواندن لغات؛
هوش مکانی: تجسم کردن لغات روی تخته سیاه، کدگذاری، تصویرسازی یا ساده‌سازی لغات؛
هوش منطقی-ریاضی: کدگذاری

انواع هوش

۱. هوش زبانی: توانایی به‌کارگیری درست لغات به‌صورت شفاهی یا نوشتاری.
۲. هوش منطقی-ریاضی: توانایی استفاده درست از اعداد و ارقام و بیان استدالات منطقی و درست.
۳. هوش مکانی: توانایی درک درست جهان به‌صورت مکانی-بصری و ایجاد تغییر در این ادراک.
۴. هوش حرکتی-جسمانی: مهارت به‌کارگیری کل بدن برای بیان افکار و احساسات.
۵. هوش موسیقایی: توانایی درک،

سراغز

با اوج گرفتن سنت اثبات‌گرایی، روان‌شناسان کوشیدند تا به اندازه‌گیری ویژگی‌های روانی انسان از جمله هوش پردازند. برای مثال ابتدا تعبیر «هوش» و اندازه‌گیری آن توسط روان‌شناسی به نام آلفرد بینه انجام شد و هشتاد سال بعد روان‌شناس دیگری به نام گاردنر با آن مخالفت کرد.
گاردنر در تعریف هوش دگرگونی ایجاد کرد و با نظریه هوش چندگانه (MI)، نظر همگان را به مقوله چندگانگی، توانایی‌های انسانی جلب کرد.



**کاردرن در تعریف
هوش دگرگونی
ایجاد کرد و با
نظریه هوش
چندگانه (MI)،
نظر همگان را به
مقوله چندگانگی،
توانایی انسانی
جلب کرد**

نتیجه

با پیشرفت علم و فناوری دیگر شیوه‌های آموزش سنتی پاسخگوی مسائل جدید و مشکلات فرد نیستند. با استفاده از شیوه‌های جدید تدریس، معلم و شاگرد هر دو لذت آموختن را تجربه خواهند کرد.

در این میان و با در نظر گرفتن نظریه هوش نه‌گانه، محیط‌های آموزشی شاد، فعال و پر از انگیزه برای یاددادن و یادگیری خواهند شد.

معلمان با برنامه‌ریزی کاملی از طرح درس، تدابیر لازم را از قبل در نظر می‌گیرند. دانش‌آموزان هم با کیفیت بیشتری می‌آموزند، پس زود فراموش نمی‌کنند.

عنوان می‌کند.

آموزش مبتنی بر هوش‌های چندگانه

معلم در کلاس‌های سنتی روبه‌روی دانش‌آموزان می‌ایستد و با استفاده از تخته می‌نویسد، می‌پرسد، تکلیف می‌دهد و... اما معلمی که براساس هوش‌های چندگانه کار می‌کند، به‌طور مرتب تدریس خود را از تمرکز روی یک مقوله هوشی به هوش دیگر تغییر می‌دهد. او بخشی از زمان کلاس را به سخنرانی و نوشتن روی تخته اختصاص می‌دهد، اما بین صحبت‌هایش گاه مکث می‌کند تا فرصت تأمل ایجاد شود (درون فردی) از نمایش بهره می‌گیرد (هوش حرکتی - جسمانی) از تصاویر و رنگ‌ها کمک می‌گیرد. اشیای طبیعی را به کلاس می‌آورد و... مثلاً گاه می‌گوید: «امروز هر سؤالی پرسیدم به جای اینکه دست بلند کنید، از علامت بال زدن یا چهار انگشت باز استفاده کنید».

این‌گونه، دانش‌آموزان دارای هوش حرکتی - جسمانی قوی‌تر، ضمن گوش دادن منتظر سؤال می‌مانند. یا اینکه در بعضی دروس از دانش‌آموزان می‌خواهد چشمانشان را ببندند و در خیال خود موضوع درس را به تصویر بکشند یا در خیال خود به تور مسافرتی درون بدن بروند. هنگام ارزشیابی برخی از دانش‌آموزان می‌توانند پانتومیم اجرا کنند یا نمایش دهند. یا برخی از دانش‌آموزان عبارتی مهم را هم‌نوایی کنند. در این روش، معلم از هر پنج حس (لامسه، بینایی، شنوایی، چشایی و بویایی) دانش‌آموزان برای تدریس بهره می‌گیرد.

اعدادی برای هر لغت؛ هوش حرکتی - جسمانی: نوشتن لغات با انگشت روی ماسه، خاک و...؛

هوش میان فردی: ساختن لغات گوناگون براساس تفکر خود؛ هوش طبیعت‌گرا: کدگذاری لغات با نام حیوانات؛ اگر معلم بتواند دانش‌آموزان را با مقوله هوش‌های گوناگون آشنا کند، آنان به مرور قادر خواهند شد در مطالعات فردی خود، از شیوه‌ای که بیشترین بازدهی را برای آنان دارد استفاده کنند.

همچنین، برای شناخت مقوله‌های هوش چندگانه در دانش‌آموزان می‌توان از سرنخ‌هایی نیز در این زمینه بهره برد.

مثلاً دانش‌آموزی که بدون اجازه و خارج از نوبت حرف می‌زند، هوش زبانی بالایی دارد و دانش‌آموزی که به جای توجه به درس دفتر خود را خط خطی یا خیال‌پردازی می‌کند هوش مکانی بالایی دارد.

اگرچه دسته‌بندی دانش‌آموزان در هوش‌های چندگانه کار ساده‌ای نیست، لیکن با مشاهده رفتار دانش‌آموز یا چند روش ساده می‌توان در این راستا قدم برداشت. مشاهده کارنامه دانش‌آموز، راهنمایی والدین، دادن پرسش‌نامه به دانش‌آموزان و... راه‌های مناسبی برای این کار هستند. به این ترتیب، فرد در می‌یابد که با کدام شیوه می‌تواند بهتر یاد بگیرد.

البته باز هم باید به خاطر داشت که همه افراد از هر هشت مقوله هوشی بهره‌مند هستند و تعلق داشتن فردی به یک گروه از هوش‌ها صرفاً بالاتر بودن آن مقوله هوشی را در او

منبع

آرمسترانگ، توماس (۱۳۸۳). هوش‌های چندگانه در کلاس درس. ترجمه مهشید صفری. انتشارات مدرسه. تهران.